

Architectural Semantics: A Comparative Study of Meaning in Architectural Sciences and Approaches

Masumeh Alamrasi^{1*}, Manouchehr Foroutan²

¹ Assistant professor, Department of Architecture, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.
Ma.Alamrasi@iau.ac.ir

² Assistant professor, Department of Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.
m.foroutan@iau.ac.ir

KEYWORDS

Received: 07 March 2025
Revised: 30 June 2025
Accepted: 16 August 2025
Available Online: 10 December 2025

Article type: Research Paper

DOI:

<https://doi.org/10.82394/sbea.2025.1201351>

ABSTRACT

The concept of meaning is among the most widely discussed topics of theoretical debate in architecture. The present study explores this concept from philosophical, social, and environmental points of view and examines its presentation in established approaches in architecture, including the hermeneutic, linguistic, and semasiological ones, as well as those approaches that focus on urban design, and environmental psychology. The study aims to arrive at a comprehensive approach to the question of meaning in architecture. The present study attempts to answer the question of what elements constitute meaning in architecture to formulate a comprehensive approach to the subject. Drawing on theoretical frameworks from philosophy, linguistics, semiotics, environmental psychology, and human geography, the research identifies semantic layers-namely denotative, connotative, and symbolic-that manifest within architectural experience and design. Adopting a qualitative and methodologically driven approach, the study employs content analysis and comparative methods. It collects theoretical texts through purposeful sampling, codes conceptual themes, conducts interdisciplinary comparative analysis, and ultimately formulates a comprehensive conceptual model of meaning in architecture. Findings reveal that architectural meaning transcends formal and functional attributes, and is shaped by four key dimensions: origin of meaning (cognitive, cultural, linguistic), mechanisms of meaning-making (perception, sign, language), semantic layers (denotative, connotative, symbolic), and the lived experience of the observer. This interdisciplinary framework supports the design of spaces that concurrently deliver legibility, experiential richness, and symbolic resonance.

KEYWORDS

Meaning, Architecture, Semantics, Meaning in Architecture

* Corresponding author: Masumeh Alamrasi
E-mail address: Ma.Alamrasi@iau.ac.ir



معناشناسی معماری: مطالعه تطبیقی معنا در علوم و رویکردهای معماری

معصومه عالم راثی^{۱*}، منوچهر فروتن^۲^۱ استادیار، گروه معماری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول)

Ma.Alamrasi@iau.ac.ir

^۲ استادیار، گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

m.foroutan@iau.ac.ir

چکیده

مفهوم معنا در معماری یکی از گسترده‌ترین مباحث در حوزه نظریه‌پردازی معماری می‌باشد. با توجه به اهمیت مؤلفه معنا در معماری، هدف مقاله حاضر بررسی ماهیت معنا در علوم فلسفی، اجتماعی و محیطی و رویکردهای معماری مرتبط با علوم مربوطه به دست‌آوردن تعریف کلی از معنی در هر علوم و رویکردهای معماری و بررسی وجوه اشتراک و افتراق آنها است. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤالات است که وجوه اشتراک و افتراق ماهیت معنا در علوم فلسفی، اجتماعی و محیطی و رویکردهای معماری چیست؟ مؤلفه‌های تعریف ماهیت معنا در علوم مذکور و رویکردهای معماری چیست؟ پژوهش حاضر با هدف گشودن فهمی میان‌رشته‌ای از «معنا» در معماری توسعه یافته است. پژوهش با طرح پرسش‌هایی درباره ماهیت معنا، خاستگاه‌های ذهنی-اجتماعی آن و سازوکار معنادهی در متن معماری آغاز می‌شود. این پژوهش از نوع کیفی-روش‌محور است و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و پژوهش تطبیقی، ساختاری منطقی برای بررسی و مقایسه منابع معتبر استخراج شده توسط نمونه‌گیری هدفمند فراهم آورده است. مراحل تحقیق شامل: گردآوری متون نظری، کدگذاری مفهومی، تحلیل تطبیقی بین‌رشته‌ای و نهایتاً تدوین مدل مفهومی جامع از معنا در معماری بوده است. یافته‌ها نشان دادند که معنا در معماری فراتر از ویژگی‌های فرم و عملکرد است و با چهار مؤلفه کلیدی؛ یعنی منشأ معنا (ذهنی، فرهنگی، زبانی)، سازوکار معنادهی (ادراک، نشانه، زبان)، سطوح معنا (صریح، ضمنی، نمادین) و تجربه زیسته ناظر تعیین می‌شود. این چهارچوب میان‌رشته‌ای، بستری است برای طراحی فضاهایی که خوانایی، تجربه‌پذیری و پیامدهی نمادین را به‌طور هم‌زمان فراهم آورند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۱۹

مقاله علمی پژوهشی

<https://doi.org/10.82394/sbea.2025.1201351>

واژگان کلیدی

معنا، معماری، معناشناسی، معنا در معماری.

مقدمه

معنا نیاز بنیادی انسان است (شولتز، ۱۳۹۴: ۲۳۵). معنا جنبه محتوایی یک پدیده است که جنبه ظاهری آن را تکمیل می‌کند. معماری به عنوان یک فرایند دلالتی در تلاش است تا با تأکید بر ویژگی‌های ذهنی انسان افزون بر فرم ظاهری محیط به پیدایش این بعد از نیازهای بنیادی انسان یاری رساند. معماری تنها به لحاظ فرمی و عملکردی حائز اهمیت نبوده، بلکه نقش معماری در تداعی معانی و انتقال مفاهیم نیز جایگاه ویژه‌ای دارد (هال و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۹). معماری بعد از زبان به عنوان دومین نمود فرهنگ هر جامعه‌ای تجلی‌گاه فکر و اندیشه و معناست (گروتر، ۱۳۹۰). هدف معماری برآوردن صرف نیازهای جسمانی نیست، هدف معماری، نگهداری و انتقال معناهاست (نوربرگ شولتز، ۱۳۹۷). میس‌ونده‌روهه^۱، معمار مشهور فرمالیستی، به اهمیت معنا تأکید کرده، می‌گوید: «درست است که معماری به حقایق وابسته است. اما حوزه واقعی آن فعالیت در حوزه معناست» (Hershberger, 1970: 37). مفهوم معنا در معماری یکی از گسترده‌ترین گفتمان‌ها در حوزه نظریه‌پردازی معماری می‌باشد. ماهیت معنا در علوم مختلف از جمله: زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، علوم اجتماعی، روانشناسی، فلسفه، جغرافیا، هنر و معماری مورد توجه بوده است. تمامی دیدگاه‌های مطرح‌شده در زمینه معنا در معماری نیز وابسته به تعاریف گفته‌شده درباره چیستی معنا بوده و ریشه در دانش‌های گوناگون دارد. طبیعتاً بین این رویکردهای مختلف در تعریف آنچه به عنوان معنا می‌شناسیم، در تعریف ماهیت معنا و سطوح و سلسله مراتب معنا تفاوت‌ها و اشتراک‌هایی وجود دارد. یک چالش موضوع معنی در معماری این است که معماران اغلب برای شناخت معنی و روند ادراک آن به سایر زمینه‌ها از جمله: فلسفه، روانشناسی، نشانه‌شناسی رجوع کرده و نظریات معتبر در این حوزه‌ها را به معماری تعمیم می‌دهند. در نتیجه تفاوت‌های موجود در این نظریه‌ها به نگرش معماران نیز منتقل شده و رویکردهای مختلفی را رقم می‌زند. نبود شناخت از ریشه‌های این تعاریف موجب آشفتگی در برداشت از معنا در معماری شده است. در معماری ماهیت معنا در قالب معنای مکان تعریف شده است. تعریف معنای مکان در رویکردهای مختلف معماری ریشه در معرفت‌شناسی آن رویکردها دارد. از این‌رو در این بخش پژوهش به بررسی چیستی معنا در علوم فلسفی، اجتماعی و محیطی و رویکردهای معماری و سطوح و سلسله مراتب معنا پرداخته و با بدست آوردن تعریف کلی از معنی در هر علوم و رویکردهای معماری به بررسی وجوه اشتراک و افتراق آنها پرداخته شده است که در قالب مدل نظری ارائه شده است.

روش تحقیق

روش تحقیق به صورت دقیق‌تر و در چند بعد تشریح می‌شود. این پژوهش از نوع کیفی و بنیادی است که به دنبال تبیین و تفسیر مفاهیم بنیادین «معنا» در بستر معماری و علوم میان‌رشته‌ای مرتبط است. رویکرد پژوهش، توصیفی-تحلیلی با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی است که به دنبال استخراج الگوهای مفهومی از متون نظری و تطبیق آنها با یکدیگر در حوزه‌های مختلف علمی و معماری می‌باشد. این پژوهش با هدف تولید دانش نظری در حوزه معنا و کاربرد آن در معماری، در طبقه‌بندی پژوهش‌های نظری و بنیادی جای می‌گیرد.

مراحل اجرای این پژوهش در چهار گام اصلی برنامه‌ریزی شده است. در گام نخست، شناسایی منابع معتبر نظری در حوزه‌های مختلف علوم انسانی، اجتماعی، زبان‌شناسی، فلسفه، روانشناسی، نشانه‌شناسی و طراحی معماری انجام شد. این منابع شامل کتاب‌های مرجع، مقالات علمی پژوهشی داخلی و بین‌المللی، پایان‌نامه‌های تخصصی و متون ترجمه‌شده معتبر هستند. در گام دوم، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تطبیقی، مفاهیم بنیادین معنا در هر حوزه استخراج و دسته‌بندی شدند. در گام سوم، تحلیل و مقایسه میان‌رشته‌ای بین تعاریف، مبانی و

سازوکارهای تولید و انتقال معنا انجام شد. در نهایت، در گام چهارم، مدل مفهومی نظری پژوهش بر اساس اشتراکات و تفاوت‌های میان‌رشته‌ای نظریه‌ها تدوین و در بخش بحث و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

از آنجا که این پژوهش مبتنی بر اسناد و متون نظری است، جامعه آماری آن شامل آثار و نظریات اندیشمندان مطرح در حوزه معنا در علوم انسانی و معماری می‌باشد. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند بوده و آثار و نظریه‌هایی انتخاب شدند که بیشترین ارتباط مفهومی را با موضوع تحقیق داشته‌اند. ابزار تحلیل در این پژوهش، بررسی اسنادی و تحلیل محتوای کیفی متون است که از طریق طبقه‌بندی مفاهیم، شناسایی الگوها و مقایسه تطبیقی نظریات صورت گرفته است. داده‌ها به صورت کدگذاری محتوایی استخراج شده و در قالب جداول تحلیلی و الگوهای مفهومی سازمان‌دهی شده‌اند. این روش امکان می‌دهد تا به فهم عمیق‌تری از نقش «معنا» در شکل‌گیری فضاهای معماری بر پایه دانش‌های مختلف دست یابیم.

پیشینه تحقیق

پژوهش ادوارد وینترز^۲ در کتاب «زیباشناسی و معماری» بررسی عمیقی از رابطه میان فلسفه، زیبایی‌شناسی و معماری ارائه می‌دهد؛ او با استناد به دیدگاه‌های کانت^۳، فیلسوفان زبان‌شناس مانند ویتگنشتاین^۴ و نظریه‌پردازان هنر، تلاش می‌کند چیستی «معماری» را بازشناسد و نشان دهد قضاوت زیبایی در معماری بر فهم ما از ماهیت اثر معماری استوار است. این تحلیل به‌طور مستقیم با موضوع پژوهش پیش‌رو مرتبط است، زیرا وینترز نشان می‌دهد که معنا در معماری نه صرفاً تابع فرم یا عملکرد، بلکه نتیجه‌ای از فهم پیشینی ما درباره ماهیت آن است؛ مفهومی که پژوهش حاضر نیز در پی استخراج سطوح و خاستگاه‌های معنا بر اساس نظریه‌های میان‌رشته‌ای است (وینترز، ۱۳۹۶).

در زمینه معناشناسی در معماری، مقاله ویلیام وایت^۵ «ساختمان‌ها چگونه معنا می‌دهند» بر ضرورت درک «روند ترجمه‌ای» معنا (از طرح تا ساخت، سکونت و تفسیر) تأکید دارد. او با ارجاع به باختین، می‌کوشد نشان دهد که معنا در فضا ناپایدار و چندگانه است و باید به‌لحاظ تاریخی و اجتماعی تفسیر شود. این دیدگاه پویایی معنا را در نسبت با رویکردهای نشانه‌شناختی، هرمنوتیک و اجتماعی برجسته می‌کند و با تأکید بر تحول معنا در طول زمان، به مدل تحلیلی این پژوهش در بررسی تطبیقی نظریه‌ها کمک می‌کند؛ بدین ترتیب، پژوهش ما این رویکرد را با لایه‌بندی معنا در معماری هم‌راستا می‌سازد (Whyte, 2006).

در بین آثار ایرانی، مقاله رضا عسگری با عنوان «مسئله معنا در معماری» به‌صورت تحلیلی به بررسی نقش معنا در فرایند طراحی پرداخته و بر اهمیت درک لایه‌های معنا جهت خلق فضاهای انسانی و معنادار تأکید کرده است. این تحلیل با یافته‌های ما هم‌راستا است، زیرا نشان می‌دهد که بررسی معنا بدون فهم سطوح «صریح تاکنون، ضمنی و نمادین» ناقص خواهد بود. همچنین سرمستانی و همکاران در مقاله «آفرینش شاعرانه در فضای شهری» به‌طور ویژه نشانه‌شناختی، تعامل میان معنا و نشانه‌ها در محیط شهری را مطالعه کرده‌اند؛ این پژوهش به‌ویژه با تأکید بر نشانه‌ها و تحلیل فضایی در محیط واقعی، ابزار روش‌شناسانه را تقویت کرده و تحقیق ما را در ترکیب نظریه‌های نشانه‌شناسی و تجربی کاربردی می‌سازد (عسگری، ۱۳۹۷؛ سرمستانی و همکاران، ۱۳۹۷).

آثار دیگر مانند رلف^۶ «مکان و بی‌مکانی» و نوربرگ شولتز^۷ «گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان»، بر تجربه پدیدارشناختی معنا و زیست‌جهان انسان تأکید دارند؛ این مفاهیم در متن پژوهش پیش‌رو، به‌ویژه بحث درباره منشأ معنا در تجربه زیسته و ساختار ادراکی فضا، نقش کلیدی ایفا می‌کنند. کوین لینچ^۸ نیز در «سیمای شهر» بر نقشه ذهنی و شکل‌دهی ذهنی ساختار شهری تأکید دارد، که در تحلیل ما به‌عنوان عنصر شناختی معنا مطرح است. همچنین لنگ^۹ در «آفرینش نظریه معماری» نقش فرآیندهای شناختی و ادراکی را برجسته کرده و بنیان روانشناسی محیط را در درک معنا تقویت می‌کند (رلف، ۱۳۹۵؛ شولتز، ۱۳۹۵؛ لینچ، ۱۳۹۵؛ لنگ، ۱۳۸۶). در خصوص ماهیت معنا در علوم

فلسفی، اجتماعی و محیطی و رویکردهای معماری پژوهشی صورت نگرفته است که پژوهش حاضر به بررسی ماهیت معنا و وجوه اشتراک و افتراق آن در علوم مربوطه و رویکردهای مختلف معماری پرداخته است.

مبانی نظری تحقیق

معنا و مفاهیم واژه معنا

از دیدگاه لغوی برای واژه معنا تعاریف مختلفی ارائه شده است. واژه معنی در فرهنگ معین به معنای قصدشده، مقصود، مراد، مفهوم کلام بیان شده است (معین، ۱۳۸۷: ۱۰۰۸). به عبارت دیگر معنا، توضیحی است که درباره یک واژه یا عبارت که به یاری واژه‌ها و عبارتهای یک زبان بیان می‌شود. آنچه از واژه یا عبارتی فهمیده می‌شود؛ مفهوم (معنی حقیقی)، قصد، نیت، کیفیت مهم به‌ویژه اهمیت نهفته در چیزی است (صدری افشار و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۱۹۱). در لغت‌نامه دهخدا معنا به مفهوم مراد از کلام و مقصود و اراده، هر چه از چیزی قصد کرده شود، آنچه لفظ بر آن دلالت دارد، مضمون، آنچه که از کلمه یا کلماتی مفهوم شود، بیان شده است (دهخدا، ۱۳۳۴: ۷۶۴). معنا که پنهان است در برابر و در ارتباط با صورت، لفظ یا مصداق که آشکارند، فرض شده است (فیض اله زاده و همکاران، ۱۴۰۳: ۵۸). معنا اصل و حقیقت اشیا و پدیده‌هاست (اسلام پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۱). این واژه در لغت‌نامه آکسفورد معادل لغت سنس^{۱۰} و مینینگ^{۱۱} می‌باشد. واژه سنس به معنی - معنی لغت یا جمله - بوده و ترکیب میک‌سنس^{۱۲} نیز معادل - معنی‌داربودن چیزی به نحوی که به‌آسانی فهمیده شود - به‌کار رفته است. از سوی دیگر، واژه مینینگ مترادف - ایده یا چیزی که یک کلمه، نشانه، ... را ارائه می‌کند و یا کیفیتی که زندگی را واجد ارزش می‌نماید، می‌باشد (Bull, 2011: 273). از دیدگاه اندیشمندان معماری، تعاریف زیر در رابطه با معنا ارائه شده است. معنا دریافت مشترک و مفروضی است که مفهوم خاصی، نزد آدمیانی که در محدوده‌ای از تاریخ (زمان و مکان) زندگی می‌کنند، دارند؛ چه بر این امر وقوف داشته باشند و آن را اعلام کنند و چه جز این (فلامکی، ۱۳۹۱: ۳۹۶). رویکرد معناشناسی به‌جای اتکا به الگوی ساختار محیط بر معنای عناصر محیط متکی است (لنگ، ۱۳۸۶: ۲۱۱). از دیدگاه لینچ، حس معنی، یعنی میزان وضوح ادراک افراد از مکان و ساختاردهی به آن در زمان و فضا (کارمونا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۰). در تعریفی دیگر از لینچ معنا، انطباق محیط با توانایی‌های احساسی و ذهنی و ساختارهای فرهنگی است (لینچ، ۱۳۹۴: ۱۵۲). کاستلز^{۱۳} معنا را تجربه و یادبود برای انسان می‌داند (احمدی، آزاد احمدی، ۱۴۰۲: ۶). اولمن^{۱۴} معنا را رابطه‌ای دو جانبه می‌داند که میان تصویر ذهنی و واژه وجود دارد (شعله، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

مفهوم معنا از دیدگاه نظریه پردازان علوم مختلف

حوزه‌های علمی مختلف از جمله: فلسفه، منطق، زبان‌شناسی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، ... در ارتباطی مستقیم با معنا هستند و هر کدام از حوزه‌ها بنا بر نیاز و تلقی خود از معنا به آن پرداخته‌اند. در پژوهش حاضر ماهیت معنا از دیدگاه نظریه‌پردازان علوم مذکور و رویکردهای معماری مورد بحث قرار گرفته است.

معنا در فلسفه

معنا در فلسفه و در معماری با رویکرد هرمنوتیک^{۱۵}

فلاسفه از نظریات معنا و ماهیت معنا بحث می‌کنند. این بحث بیشتر در میان فلاسفه تحلیلی مطرح شده است (قائمی نیا، ۱۳۸۵: ۱۸). دوره اول فلسفه تحلیلی معرفت و حقیقت را از قید ذهنیت رها کرد. ایده‌آلیست‌ها معرفت را

امری ذهنی و شخصی و غیر قابل انتقال می‌دانستند (بیگ پور، ۱۳۹۰: ۲۱۶). اما با ظهور فلسفه تحلیلی بین معنا (اندیشه) و صورت ذهنی تفاوت قائل شدند و معنا عبارت است از آنچه توسط ذهن کشف می‌شود. لذا از نظر وجودی وابسته به ذهن نیست. به همین دلیل می‌تواند قابل انتقال به غیر باشد (مهدوی نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۲۳). به‌طور خاص فلسفه در پایان سده نوزدهم و سده بیستم با گرایش ویژه به زبان، به ویژه در آلمان چه در حوزه هرمنوتیک، چه دیدگر حوزه‌های فلسفه توجه ویژه‌ای به معنا داشته است. از سردمداران آلمانی این اندیشه می‌توان به فرگه^{۲۸}، هوسرل^{۲۷}، هایدگر^{۲۸}، گادامر^{۲۹}، هابرسن^{۳۰} اشاره کرد و از اندیشه‌ورزان غیرآلمانی هم می‌توان از ویتگنشتاین و آستین^{۳۱} نام برد (ساسانی، ۱۳۹۵: ۲۴). هرمنوتیک مجموعه تأملات فلسفی است که می‌کوشد معنای امر معنادار را روشن کند. در هرمنوتیک معنا را یکی از ارکان هر عمل تفسیر دانند. اندیشمندان رویکرد هرمنوتیک در حوزه معماری از جمله: رلف، گوستافن^{۳۲}، شولتز، سیمون^{۳۳}، پالاسما^{۳۴}، پرزگومز^{۳۵}، گرگوتی^{۳۶}، .. تعاریفی را در رابطه با معنای مکان ارائه داده‌اند که در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- معنا در فلسفه و در معماری با رویکرد هرمنوتیک، مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳

علوم / صاحب‌نظران	فوکو ^{۳۷}	فرگه و مور ^{۲۸}	استراوسون ^{۲۹} و آیر ^{۳۰}	ویتگنشتاین
استنتاج اصول	گفتمان ↓ معنا (هال، ۱۳۹۶)	معنا ↕ کشف توسط ذهن ↕ قابل بیان توسط زبان (مهدوی نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۱۸)	شکل‌گیری معنا → خصوصی و ذهنی (کلانتزی، ۱۳۸۶: ۱۰۹)	امری ذهنی ↓ معنا (کلانتزی، ۱۳۸۶: ۱۱۰)
معنا در فلسفه تحلیلی	معنا از دیدگاه فلسفی موجودیتی مستقل از ذهن است که توسط ذهن کشف و گفتمان شکل‌گرفته و توسط زبان قابل انتقال به دیگران است. معنا به سابقه ذهنی فرد بستگی دارد.			
علوم / صاحب‌نظران	شلایر ماخر ^{۳۱}	هرش ^{۳۲}	گادامر	هایدگر
استنتاج اصول	معنا ↓ وجه جمعی و اجتماعی معنای مستتر در بروزات انسانی (کلانتزی، ۱۳۸۶: ۱۰۶)	معنا ↓ وابسته به معنا (Hersch, 1973)	فرایندهای ذهنی ↓ معنا (Gadamer, 2013): (غلامعلی فلاح، بمانیان، ۱۳۹۵: ۱۲۰)	معنا → امری موجود (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۱: ۲۸)
معنا در فلسفه هرمنوتیک	معنا در مرکز ذهنیت انسانی است و متعلق به فرایندهای ذهنی و اجتماعی است. معنا از طریق تجربه ایجاد و توسط زبان بیان می‌شود و حاصل تعاملات اجتماعی است.			
علوم / صاحب‌نظران	رلف	گوستافن	سیمون	
استنتاج اصول	معنای مکان = تجربه انسان + تصویر ذهنی ↓ معنا ↓ مکان ↕ کالبد ↕ فعالیت (رلف، ۱۳۹۵): (کارمونا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۹)	شخص ↕ معنای مکان ↕ محیط ↕ دیگران (Gostafon, 2001)	مکان ↓ مرکز معنا (Seamon, 2014)	
علوم / صاحب‌نظران	شولتز	پالاسما		

		استنتاج اصول
<p>معنا از مؤلفه‌های مهم مکان است. معنای مکان از تجربه فضایی انسان در محیط و تعامل شخص با محیط و دیگر انسان‌ها به وجود می‌آید که نشان‌دهنده وجوه اجتماعی آن است که موجب تصویر ذهنی انسان از محیط و ایجاد هویت و حس تعلق به مکان می‌شود.</p>		معنا در معماری با رویکرد هرمنوتیک

معنا در علوم اجتماعی

معنا در علوم اجتماعی و در معماری با رویکرد مردم‌شناسی

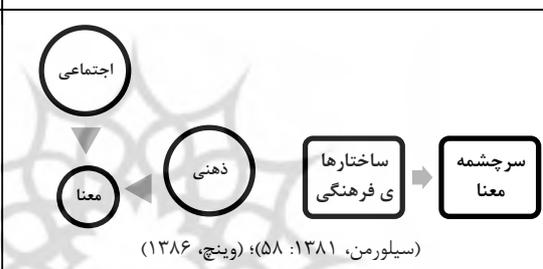
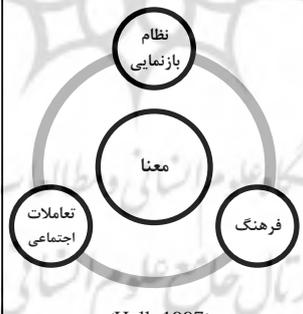
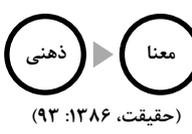
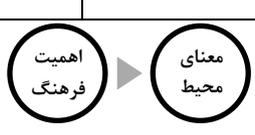
یکی از مهمترین معیارهایی که بر مبنای آن شکاف‌های مکتبی در جامعه‌شناسی شکل گرفته است، نوع برخورد و تلقی جامعه‌شناسان از معنا بوده است (کلانتری، ۱۳۸۶: ۱۱۲). برای فهم پدیده‌های اجتماعی باید به دنیای ذهنی، ارزشی و معانی ذهنی کنشگران دست یافت. این کار مستلزم معناکاوی است و نه علت‌کاوی و نگاه از درون می‌طلبد و نه نظاره از بیرون. دقیقاً چنین مبنایی است که وبر^{۳۳} جامعه‌شناسی را علم تفهیم کنش اجتماعی دانسته است. رابطه علی در جامعه‌شناسی برخلاف روابط علی خنثی در علوم طبیعی سرشار از معنا می‌شود (آرون، ۱۳۹۶: ۵۶۷). اکثر جامعه‌شناسان از رویکردی روانشناسانه به معنا نگریسته‌اند. آنها معنا را در ارتباط با ذهن کنشگر می‌دیدند (همان: ۱۲۱). در جدول ۲ به تعاریف مطرح از معنا در این حوزه پرداخته شده است. از اندیشمندان مطرح در رویکرد علوم اجتماعی و فرهنگی در معماری، راپاپورت^{۳۴} و استرن^{۳۵} است. از دیدگاه راپاپورت، مردم با کمک فرهنگ به محیط معنی داده و آن را معنی‌دار می‌کنند. راپاپورت معنا را در سه سطح دسته‌بندی می‌کند؛ معنای صریح یا دلالتی؛ معنای ضمنی؛ معنای انتزاعی (راپاپورت، ۱۳۹۲). به گفته راپاپورت، معنی، انتزاعی‌ترین جنبه فعالیت است (پرتوی و صداقت رستمی، ۱۴۰۰: ۳۳). بنا به نظر استرن، معماری پاسخی است تاریخی و فرهنگی و بناها در طول زمان، معنا را بسط و توسعه می‌دهند. از نظر او بناها طراحی می‌شوند تا معنایی داشته باشند؛ آنها اشیایی سر بسته و خاموش نیستند (نسبیت، ۱۳۹۴: ۳۵-۳۶).

در رویکرد مردم‌شناختی به معنا در معماری، دغدغه اصلی بر فهم «معنا به مثابه محصول کنش اجتماعی-فرهنگی» متمرکز است؛ این دیدگاه، فضای معماری را نه صرفاً به‌سان محمل ساختمانی بی‌معنا، بلکه به‌مثابه عرصه‌ای متأثر از الگوهای فرهنگی، ارزش‌های جمعی و تعاملات روزمره می‌نگرد. بر این اساس، همانگونه که سرمستانی، فروتن و طهوری در مطالعه خود بر روی «فضای شاعرانه باغ بلند شیراز» نشان داده‌اند، معنا در فضا هنگامی پدیدار می‌شود که نشانه‌ها و کدهای فرهنگی، ادبی و تاریخی به‌صورت فعال در تعامل با تجربه شهری کنشگران حضور یابند. آنها با تحلیل نشانه‌ها بر پایه مفاهیمی مانند آشنایی‌زدایی یا برجسته‌سازی، نشان می‌دهند این پارادایم می‌تواند به خلق مکان‌هایی با بار نمادین غنی و تجربه‌ای شاعرانه منتهی شود، دیدگاهی که در پژوهش حاضر به‌عنوان مدل لایه‌بندی معنی صریح، ضمنی و نمادین بازتاب یافته است (سرمستانی و همکاران، ۱۳۹۷).

کریستین نوربرگ شولتز در اثر برجسته‌اش «گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان» تصریح می‌کند که معماری باید زمینه‌ای را فراهم کند تا کنشگران آن فضا بتوانند به‌واسطه تجربه ذهنی و حضور هرروزه، احساس تعلق و شناخت فضایی را بازسازی کنند (نوربرگ شولتز، ۱۳۹۵). این رویکرد مردم‌شناختانه بر اهمیت تجربه زیسته در شکل‌دهی معنا

تأکید دارد و در پژوهش کنونی با ترکیب این دیدگاه با رویکرد نشانه‌شناسی، فضایی ترکیبی طراحی شده که هم تجربه‌پذیر است و هم دارای ساختار فرهنگی- اجتماعی قابل فهم. کوین لینچ در «سیمای شهر» نیز بر نقش «نقشه ذهنی شهروند» در تولید معنا و ادراک فضایی تأکید می‌کند؛ تجربه‌هایی که بر اساس مسیرها، لبه‌ها، گره‌ها و محله‌ها شکل معنایی می‌گیرند و برای مردم مفهوم‌پذیر می‌گردند (لینچ، ۱۳۹۵). این مفهوم، در چارچوب مقاله حاضر با نگاهی شناختی و مردم‌شناختی - تأکید بر نحوه ساخت معنای جمعی در سطح شهری - همساز شده و ترکیب آن با نشانه‌شناسی فرهنگی کمک می‌کند تا مدل تلفیقی معنا بازتعریف دقیق‌تری بیابد. جان لنگ در «آفرینش نظریه معماری» تأکید می‌کند که استفاده از فرایندهای شناختی همچون طرحواره‌ها و تجارب ذهنی افراد، عنصر مهمی در درک و تولید معناست (لنگ، ۱۳۸۶). این باور تعمیق‌کننده رویکرد مردم‌شناختی است، زیرا نشان می‌دهد معنا در معماری تنها توسط طراحی فرم یا نشانه تعیین نمی‌شود، بلکه در ادراک و بازنمایی فرهنگی - شناختی کاربران شکل می‌گیرد و تجربه معنا را بازتولید می‌کند (لنگ، ۱۳۸۶).

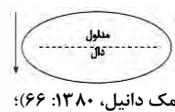
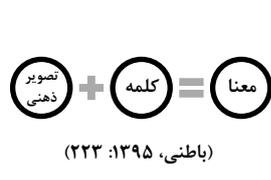
جدول ۲- معنا در علوم اجتماعی و در معماری با رویکرد مردم‌شناسی، مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳

علوم / صاحب‌نظران	جامعه‌شناسی / وبر	جامعه‌شناسی / مید ^{۳۶}	جامعه‌شناسی / بلومر ^{۳۷}
استنتاج اصول	 <p>(سیلورمن، ۱۳۸۱: ۵۸)؛ (وینچ، ۱۳۸۶)</p>	 <p>(ریترز، ۱۳۹۳: ۲۷۷)</p>	 <p>(لیتل جان، ۱۳۸۴: ۳۷۲)</p>
علوم / صاحب‌نظران	<p>جامعه‌شناسی / تریگ^{۳۸}</p> <p>مطالعات فرهنگی / هال^{۳۹}</p>	<p>مطالعات فرهنگی / استراوس^{۴۰}</p>	<p>علوم ارتباطات / برلوا^{۴۱}</p>
استنتاج اصول	 <p>(Hall, 1997)</p> <p>(Trigg, 1985)</p>	 <p>(حقیقت، ۱۳۸۶: ۹۳)</p>	 <p>(حقیقت، ۱۳۸۶: ۹۳)</p>
معنا در علوم اجتماعی	معنا در علوم اجتماعی هم به صورت ذهنی و فردی است و هم امری اجتماعی و عینی است که از نظام بازنمایی و تعامل اجتماعی شکل می‌گیرد و برخاسته از ساختارهای فرهنگی است.		
علوم / صاحب‌نظران	مردم‌شناسی / راپاپورت	مردم‌شناسی / استرن	
استنتاج اصول	 <p>(راپاپورت، ۱۳۹۲)؛ (نسبیت، ۱۳۹۴)</p>		
معنا در معماری با رویکرد علوم اجتماعی	معنای محیط در رویکرد علوم اجتماعی- فرهنگی، از باورها و ساختارهای فرهنگی مردم شکل می‌گیرد. معنا در این رویکرد هم به صورت ذهنی و فردی است و هم امری اجتماعی و عینی است و تعامل بین افراد، محیط و اشیا حادث می‌شود.		

معنا در زبان‌شناسی و در معماری با رویکرد زبان‌شناسی

در زبان‌شناسی اصطلاح معنا یکی از مهمترین اصطلاحات است. نظریه پردازان تعاریف مختلفی برای آن ذکر کرده‌اند. معنا صرفاً در عرصه زبان و به واسطه زبان تولید می‌شود. به همین دلیل است که برخی اندیشمندان موضوع اصلی فلسفه را تأمل درباره نسبت معنا و زبان می‌دانند (Davis, 2007: 91). از رویکردهای مطرح در زبان‌شناسی که به مطالعه معنی می‌پردازد، رویکرد معناشناسی است. در معنی‌شناسی زبانی، توجه معطوف به خود زبان است و بازنمودهای ذهن آدمی را باز می‌کشد (صفوی، ۱۳۹۷: ۲۸). در جدول ۳ تعاریف مطرح‌شده در زبان‌شناسی از دیدگاه برخی از اندیشمندان این حوزه ارائه شده است. از اندیشمندان رویکرد زبان‌شناسی در حوزه معماری، جنکر^{۴۲} و برادبنت^{۴۳} می‌باشد. به اعتقاد جنکر (۱۹۸۰) معنا در محیط، غیرقابل اجتناب است (برادبنت، ۱۳۸۸: ۹۲). به گفته برادبنت: «بناها و ساختمان‌ها حامل معنایند و معماران باید فرایندهایی را که از طریق آنها چنین معنایی منتقل می‌شود، درک و فهم کنند. خلق نیت‌مندان معنا مانع خوانش‌های اتفاقی و تصادفی می‌شود. برادبنت رویکرد معناشناختی را برای معماری مهمتر می‌داند. به نظر برادبنت قرارداد اجتماعی در معماری موردی غایب است و این غیاب آن چیزی است که معماری را از زبان متمایز می‌کند. اما به گونه‌ای تناقض‌آمیز تأکید می‌کند که بناها می‌توانند به صورت نشانه‌هایی آن گونه که مورد نظر سوسور است، خوانده شوند (نسبیت، ۱۳۹۴: ۱۳۵).

جدول ۳- معنا در زبان‌شناسی و در معماری با رویکرد زبان‌شناسی، مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳

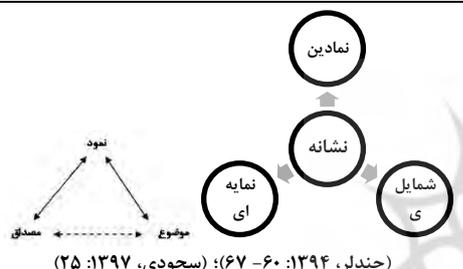
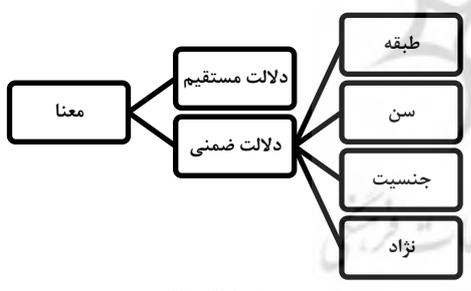
علوم / صاحب‌نظران	زبان‌شناسی / سوسور ^{۴۴}	زبان‌شناسی / یلمزلف ^{۴۵}	زبان‌شناسی / بلومفیلد ^{۴۶}	معناشناسی / آگدن ^{۴۷} و ریچاردز ^{۴۸}	معناشناسی / اولمن ^{۴۹}
استنتاج اصول	 (مک دانیل، ۱۳۸۰: ۶۶)؛ (هال، ۱۳۹۶)؛ (چندلر، ۲۰۱۳: ۴۳)	 (چندلر، ۱۳۹۴: ۸۹)	 (پالمر، ۱۳۹۵)	 (ضمیران، ۱۳۸۲: ۴۹)	 (باطنی، ۱۳۹۵: ۲۲۳)
معنا در زبان‌شناسی	با توجه به تعاریف مطرح‌شده معنا در زبان‌شناسی ماهیتی ذهنی دارد که از طریق زبان تولید می‌شود. توصیف معنی متضمن توصیف بازنمود ذهن آدمی است. معنا حاصل تصویر ذهنی است.				
معنا در معماری با رویکرد زبان‌شناسی	به‌طور کلی در این رویکرد معنی جز ذاتی محیط است. معنا عینی و اجتماعی است؛ قابل خوانش برای عموم مردم است. ساختمان‌ها حامل معنایند. معنا در بنا باید به صورت هدفمند گنجانده شود تا مانع خوانش تصادفی شود. معنا فرایندی ذهنی و فردی است. زبان قرارداد اجتماعی است؛ این قرارداد در معماری غایب است و این غیاب، تمایز معماری از زبان است.				

معنا در نشانه‌شناسی و در معماری با رویکرد نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی حوزه‌ای از دانش است که به مطالعه سازوکارهای تولید، انتقال و دریافت معنا می‌پردازد. نشانه‌ها حامل بی‌نهایت معنا هستند. لذا دریچه آنان به روی تفسیرهای گوناگون گشوده است. نشانه‌شناس معنا را از طریق تولید و تفسیر نشانه‌ها به وجود می‌آورد (چندلر، ۱۳۹۴: ۴۱). نشانه‌شناسی کلاً دانش درک معنی است و مسلماً معنی زبانی بخش کوچکی از آن را شامل می‌شود (صفوی، ۱۳۹۷: ۳۵). نشانه‌شناسی از طریق مطالعه و تئوریزه کردن نشانه‌ها و روند شکل‌گیری آنها در پی مطالعه معنی است (نژاد ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۲). معماری همواره بر یک مفهوم دلالت می‌کند. بنابراین، برای درک معنایی که بنای معماری برای متجلی کردن آن برپا می‌شود، باید به مفهوم

اولیه به وجود آورنده آن از طریق درک رابطه دلالت‌گری بین مفهوم به عنوان دال و معماری به عنوان مدلول از طریق دانش نشانه‌شناسی پی برد (محمدی و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۲۶). اندیشمندان مطرح در این حوزه به ارائه تعاریفی از معنا پرداخته‌اند که در جدول ۴ ارائه شده است. مؤلفان، نشانه‌شناسی را روشی در عمیق‌تر ساختن فهم تولید معنا در معماری می‌دانند. آنها پیشنهاد می‌کنند که نشانه‌شناسی را همچون بخشی از یک طرح عظیم‌تر و نه صرفاً به مثابه واردات بی‌واسطه مفاهیم از بیرون معماری درک کنیم (نسبیت، ۱۳۹۴: ۱۵۳). ونتوری^{۵۱} بر تبادل و ارتباط معنا در سطوح مختلف توجه دارد (همان: ۳۴). او به چالش کشیدن ذهن و ادراک شهروند را در فضا، موجب آشکار نمودن معانی ضمنی و پوشیده فضا می‌داند (Venturi, 1977: 16). اگرست^{۵۲}، بیشتر متأثر از نشانه‌شناسی است و معتقد است معماری می‌تواند به چیزی فراسوی خود ارجاع دهد (همان: ۱۵۳). به گفته برادبنت: «معنادهی کاری است که نشانه در حال کارکرد به انجام می‌رساند و در حقیقت عبارت است از انتقال معنا» (برادبنت، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

جدول ۴- معنا در نشانه‌شناسی و در معماری با رویکرد نشانه‌شناسی، مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳

علوم / صاحب‌نظران	گریماس ۵۳	اکو ۵۴	پیرس ۵۵
استنتاج اصول	 <p>(ضمیران، ۱۳۸۲: ۷۲)</p>	 <p>(Eco, 1968)</p>	 <p>(چندلر، ۱۳۹۴: ۶۰-۶۷)؛ (سجودی، ۱۳۹۷: ۲۵)</p>
علوم / صاحب‌نظران	موریس ۵۶	بارت ۵۷	چندلر ۵۸
استنتاج اصول	 <p>(لنگ، ۱۳۸۶: ۲۳۱-۲۳۲)</p>	 <p>(کلالی، مدیری، ۱۳۹۱: ۴۶؛ به نقل از Barthes, 1982)</p>	 <p>(چندلر، ۱۳۹۴: ۲۷)</p>
معنا در نشانه‌شناسی	<p>به‌طور کلی با توجه به تعاریف ارائه‌شده نشانه‌شناسی کلاً دانش درک معنی است. معنادهی کاری است که نشانه در حال کارکرد به انجام می‌رساند و در حقیقت عبارت است از انتقال معنا. انسان‌ها معنا را فعلاً از طریق فعل و انفعال پیچیده‌ای با رمزگان یا قراردادهایی که از آن ناآگاهیم، ایجاد می‌کنند و ماهیتی ذهنی دارند.</p>		
معنا در معماری با رویکرد نشانه‌شناسی	<p>معنا ماهیتی ذهنی و فردی و جنبه عینی دارد. به‌طور کلی ادراک منجر به ایجاد معنا و آشکار شدن معانی ذهنی می‌شود و معماری می‌تواند به چیزی فراسوی خود ارجاع دهد. نشانه منجر به انتقال معنا می‌شود.</p>		

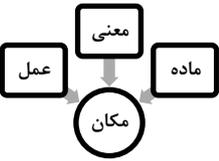
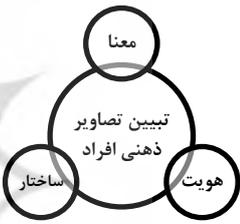
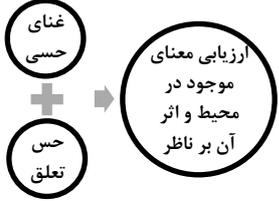
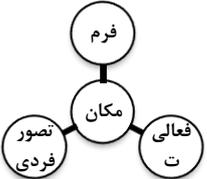
معنا در علوم محیطی

معنا در جغرافیا و رویکرد طراحی شهری

اندیشمندان علوم جغرافیا در دو حوزه جغرافیای انسانی (کرسول^{۵۹}) و جغرافیای سیاسی (اگنیو^{۶۰})، توان^{۶۱} به تبیین تعاریفی در رابطه با معنا پرداخته‌اند که در جدول ۵ به آن پرداخته شده است. معنای مکان در رویکرد شهرسازی از دیرباز مورد توجه اندیشمندان این حوزه بوده است. در اکثر دیدگاه‌های اندیشمندان این حوزه معنا به عنوان یکی از

معیارهای مهم ارتقا کیفیت فضای شهری مطرح شده است. در ادامه به تبیین صاحب‌نظران این حوزه پرداخته شده است.

جدول ۵- معنا در جغرافیا و رویکرد طراحی شهری، مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳

علوم / صاحب‌نظران	جغرافیای انسانی / کرسول	جغرافیای سیاسی / اگنیو	جغرافیای سیاسی / توان
استنتاج اصول	 <p>(Creswell, 2009: 170)</p>	 <p>(Gostafon, 2001: 6)</p>	 <p>(Thun, 1977)</p>
معنا در جغرافیا	معنا در جغرافیا، از عوامل تشکیل‌دهنده مکان است. مکان مرکز معناست و مکان‌های معنادار در یک بستر اجتماعی از طریق روابط اجتماعی در یک محیط جغرافیایی شکل می‌گیرد.		
علوم / صاحب‌نظران	شهرسازی / لینچ	شهرسازی / بنتلی	
استنتاج اصول	 <p>(لینچ، ۱۳۹۵): (لینچ، ۱۳۹۴)</p>	 <p>(بنتلی و همکاران، ۱۳۹۵)</p>	
علوم / صاحب‌نظران	شهرسازی / تریب ^{۶۲}	شهرسازی / اپلیارد ^{۶۳}	شهرسازی / کارمونا ^{۶۴}
استنتاج اصول	 <p>(اپلیارد، ۱۹۸۷)</p>	 <p>(کارمونا و همکاران، ۱۳۹۴)</p>	 <p>(Trib, 1974: 81)</p>
معنا در معماری با رویکرد طراحی شهری	معنا از مؤلفه‌های مهم تشکیل مکان است و عامل مهمی در آفرینش کیفیت‌های بصری است. مکان‌های معنادار در یک بستر اجتماعی از طریق روابط اجتماعی شکل می‌گیرد. معنا یکی از سه زمینه‌ای است که بر اساس آنها تصاویر ذهنی افراد از محیط قابل تحلیل و تبیین است. معنا، تجربه‌ای فردی یا گروهی از یک عینیت است. معنا از مؤلفه‌های مهم ارتقا کیفیت فضای شهری است.		

معنا در روانشناسی و در معماری با رویکرد روانشناسی محیطی

رویکردهای عمده در مطالعات روانشناسی عبارت است از: رویکرد زیست‌شناختی، رفتاری، شناختی، روانکاو و پدیدارشناختی. در برخی از این رویکردها، از جمله رویکرد شناختی معنا مورد توجه بوده و اندیشمندان به ارائه تعاریفی از ماهیت معنا پرداخته‌اند. رویکرد شناختی به عنوان رویکردی نوین در روانشناسی به مطالعه فرایندهای ذهن انسان می‌پردازد. اهمیت ذهن در ادراک معنی تا حدی است که روانشناسان تصویرسازی ذهن انسان را معادل معنی‌سازی

می‌دانند (علی الحسابی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰ به نقل از Martsin, 2012). این رویکرد در برابر سایر رویکردهای روانشناسی بر فعالیت ذهن تأکید می‌کند و بر آن است که آدمی گیرنده غیرفعال محرک نیست؛ بلکه ذهن او به صورت فعال به پردازش اطلاعات دریافتی دست می‌زند و آنها را به شکل‌ها و مقولات تازه‌ای دریافت می‌کند. از این منظر فرایندهای ذهنی شامل توجه، یادگیری، حافظه، تجربه منجر به تشکیل نقشه شناختی^{۶۵، ۶۶} تصویر ذهنی^{۶۷، ۶۸} و معنا بخشی به محیط می‌شود و رفتار انسان تحت تأثیر این فرایندهای ذهنی انجام می‌گیرد (استرنبرگ، ۱۳۹۴). از دیگر رویکردهای روانشناسی که معنا مورد توجه قرار گرفته، رویکرد روانکاوی و ساخت‌گرایی که زیرشاخه روانشناسی شناختی است. از نظریه پردازان این حوزه که به ارائه تعاریفی در باب معنا پرداخته‌اند، در رویکرد شناختی مان^{۶۹}، نیسر^{۷۰}، در رویکرد ساخت‌گرایی^{۷۱}، پیازه^{۷۲}، برونر^{۷۳}، ویگوتسکی^{۷۴} و در رویکرد روانکاوی فروید^{۷۵}، یونگ^{۷۶} می‌باشد که در جدول ۶ ماهیت معنا در این حوزه ارائه شده است.

معنا در روانشناسی محیط در مکتب کنش متقابل، مکتب گشتالت و اکولوژیک ادراک مورد توجه بوده و در معماری با این رویکرد صاحب‌نظران این حوزه از جمله: لنگ، وایت، آلمن^{۷۷}، مانزو^{۷۸}، هرشبرگر^{۷۹}، کانتر^{۸۰}، گیفورد^{۸۱} به ارائه نظریه‌هایی در خصوص معنای مکان پرداخته‌اند که در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۶- معنا در روانشناسی و در معماری با رویکرد روانشناسی محیطی، مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳

علوم / صاحب‌نظران	شناختی / مان	شناختی / نیسر	ساختارگرایی / پیازه	ساختارگرایی / ویگوتسکی	ساختارگرایی / برونر
علوم / صاحب‌نظران	استنتاج اصول	روانشناسی محیط / کنش متقابل	روانشناسی محیط / گشتالت	روانشناسی محیط / اکولوژیک ادراک / گیبسون	روانشناسی محیط / اکولوژیک ادراک / گیبسون
علوم / صاحب‌نظران	استنتاج اصول	روانشناسی محیط / کنش متقابل	روانشناسی محیط / گشتالت	روانشناسی محیط / اکولوژیک ادراک / گیبسون	روانشناسی محیط / اکولوژیک ادراک / گیبسون
علوم / صاحب‌نظران	استنتاج اصول	روانشناسی محیط / کنش متقابل	روانشناسی محیط / گشتالت	روانشناسی محیط / اکولوژیک ادراک / گیبسون	روانشناسی محیط / اکولوژیک ادراک / گیبسون
معنا در روانشناسی و روانشناسی محیط	معنا ماهیتی ذهنی دارد و طرحواره‌های ذهنی موجب شکل‌گیری معنا می‌شوند. معنا سازی افراد درون یک زمینه و فرهنگ اتفاق می‌افتد و از طریق ایجاد ارتباط، فعالیت و تعامل با دیگران ساخته می‌شود. با وقوع ادراک معنا ایجاد	معنا ماهیتی ذهنی دارد و طرحواره‌های ذهنی موجب شکل‌گیری معنا می‌شوند. معنا سازی افراد درون یک زمینه و فرهنگ اتفاق می‌افتد و از طریق ایجاد ارتباط، فعالیت و تعامل با دیگران ساخته می‌شود. با وقوع ادراک معنا ایجاد	معنا ماهیتی ذهنی دارد و طرحواره‌های ذهنی موجب شکل‌گیری معنا می‌شوند. معنا سازی افراد درون یک زمینه و فرهنگ اتفاق می‌افتد و از طریق ایجاد ارتباط، فعالیت و تعامل با دیگران ساخته می‌شود. با وقوع ادراک معنا ایجاد	معنا ماهیتی ذهنی دارد و طرحواره‌های ذهنی موجب شکل‌گیری معنا می‌شوند. معنا سازی افراد درون یک زمینه و فرهنگ اتفاق می‌افتد و از طریق ایجاد ارتباط، فعالیت و تعامل با دیگران ساخته می‌شود. با وقوع ادراک معنا ایجاد	معنا ماهیتی ذهنی دارد و طرحواره‌های ذهنی موجب شکل‌گیری معنا می‌شوند. معنا سازی افراد درون یک زمینه و فرهنگ اتفاق می‌افتد و از طریق ایجاد ارتباط، فعالیت و تعامل با دیگران ساخته می‌شود. با وقوع ادراک معنا ایجاد

می‌شود و معانی مبتنی بر طرحواره ذهنی و تجربه فضایی است. شخصیت هندسی محیط در ایجاد معنای محیطی مؤثر است.			
علوم / صاحب‌نظران	لنگ	وایت	آلتمن ^{۷۷}
استنتاج اصول			
علوم / صاحب‌نظران	هرشبرگر	کانتور	مانزو ^{۷۸}
استنتاج اصول			
معنا در معماری با رویکرد روانشناسی محیطی	<p>معنا یکی از مؤلفه‌های ساختار مکان است. معنا هم به صورت ذهنی و فردی و هم دارای ماهیت عینی و اجتماعی است. معنا حاصل ادراک ناظر است و در مکان توسط تجربه ایجاد می‌شود. معنا تداعی آگاهانه میان موضوع یا اثر و یک انگاره است. معنا به پیش‌زمینه فرهنگی افراد بستگی دارد. حاصل تعاملات اجتماعی است. معانی سطوح مختلفی دارد.</p>		

یافته‌های تحقیق

بحث. تحلیل نظریه‌های معنایی و رابطه آن با علوم مختلف

معنا در علوم مختلف امری ذهنی تلقی شده است که به عنوان فصل مشترک کلیه دانش‌ها در رابطه با ماهیت معناست. معنا در فلسفه تحلیلی موجودیتی مستقل از ذهن است که توسط ذهن کشف و گفتمان شکل گرفته و توسط زبان قابل انتقال به دیگران است. معنا به سابقه ذهنی فرد بستگی دارد. معنا در هرمنوتیک در مرکز ذهنیت انسانی است و متعلق به فرایندهای ذهنی است. معنا از طریق تجربه ایجاد و توسط زبان بیان می‌شود. معنا در معماری با رویکرد هرمنوتیک، از مؤلفه‌های مهم مکان است. معنای مکان از تجربه فضایی انسان در محیط و تعامل شخص با محیط و دیگر انسان‌ها به وجود می‌آید که موجب تصویر ذهنی انسان از محیط و ایجاد هویت و حس تعلق به مکان می‌شود. در علوم اجتماعی و معماری با این رویکرد، معنا دارای ماهیتی ذهنی و اجتماعی است که از طریق نظام بازنمایی، تعامل اجتماعی افراد شکل می‌گیرد و برخاسته از ساختارهای فرهنگی است. مردم بر اساس کدها و انگاره‌های فرهنگی خود معنا را از محیط استنباط می‌کنند. معنا در زبان‌شناسی و معماری با این رویکرد، ماهیتی ذهنی و فردی دارد. معنا در زبان‌شناسی از طریق زبان تولید می‌شود و حاصل بازنمود ذهن آدمی است. اما انتقال معنا در معماری فقط توسط زبان نیست؛ معنا امری پیش‌مفهومی است. بنا به اعتقاد جنکز جنبه عینی نیز دارد. معنا در نشانه‌شناسی و

معماری با این رویکرد، ماهیتی ذهنی دارد که از طریق رمزگان تولید و توسط نشانه انتقال می‌یابد. در معماری با رویکرد نشانه‌شناسی ادراک منجر به ایجاد معنا و آشکار شدن معنای ضمنی می‌شود. معنا توسط قراردادهای اجتماعی و فرهنگی تعریف می‌شود. معنا در جغرافیا و معماری با این رویکرد، از عوامل تشکیل‌دهنده مکان است. مکان مرکز معناست و مکان‌های معنادار در یک بستر اجتماعی از طریق روابط اجتماعی در یک محیط جغرافیایی شکل می‌گیرد. معنا در رویکرد طراحی شهری عامل مهمی در آفرینش کیفیت‌های بصری و ارتقا کیفیت فضای شهری است. معنا یکی از سه زمینه‌ای است که بر اساس آنها تصاویر ذهنی افراد از محیط قابل تحلیل و تبیین است. معنا، تجربه‌ای فردی یا گروهی از یک عینیت است. معنا در روانشناسی با رویکردهای مطرح‌شده ماهیتی ذهنی دارد و طرح‌واره‌های ذهنی موجب شکل‌گیری معنا می‌شوند. معناسازی افراد درون یک زمینه و فرهنگ اتفاق می‌افتد و از طریق ایجاد ارتباط، فعالیت و تعامل با دیگران ساخته می‌شود. با وقوع ادراک معنا ایجاد می‌شود و معانی مبتنی بر طرح‌واره ذهنی است. شخصیت هندسی محیط در ایجاد معنای محیطی مؤثر است. معنا در معماری با رویکرد روانشناسی محیطی، یکی از مؤلفه‌های ساختار مکان است. معنا حاصل ادراک ناظر است و در مکان توسط تجربه ایجاد می‌شود. معنا تداعی آگاهانه میان موضوع یا اثر و یک انگاره است. معنا به پیش‌زمینه فرهنگی افراد بستگی دارد. معانی سطوح مختلفی دارد. با توجه به جدول ۷ و اشتراک‌های حاصل از شاخص‌های معنا در علوم و رویکردهای مطرح‌شده، پژوهش بیانگر این است که تعاریف مطرح‌شده از معنا در معماری با رویکردهای مختلف ریشه در معرفت‌شناسی آنها دارد. مؤلفه‌های معنایی مطرح در علوم و رویکردهای مختلف معماری در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷- بررسی تطبیقی معنا در علوم مختلف و رویکرد های معماری، مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳

رویکردهای معماری (✓)		ماهیت معنا در علوم مختلف														علوم مختلف (*)										
		ذهنی	عینی	فردی	اجتماعی	تجربه فضایی	تواملات اجتماعی	ساختار فرهنگی	انتقال به وسیله زبان	انتقال توسط نشانه	تولید به وسیله زبان	تولید به وسیله رمزگان	تولید با طرح‌واره ذهنی	حاصل ادراک	تصویر ذهنی			نظام بازتابی	رابطه ساختاری	شخصیت هندسی محیط	ارتقا کیفیت محیط	ارتقا کیفیت بصری	پیشامفهوم			
معماری	رویکرد هرمنوتیک	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	فلسفه تحلیلی	فلسفه هرمنوتیک
		✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	فلسفه هرمنوتیک	
	رویکرد مردم‌شناسی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	جامعه‌شناسی	مطالعات فرهنگی
		✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	مطالعات فرهنگی	
	رویکرد زبان‌شناسی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	زبان‌شناسی	معناشناسی
		✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	معناشناسی	
رویکرد نشانه‌شناسی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	نشانه‌شناسی		
رویکرد جغرافیا و طراحی شهری	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	جغرافیای انسانی	جغرافیای سیاسی	
	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	جغرافیای سیاسی		
	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	شناختی		روانشناسی محیطی
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	ساخت‌گرایی			
رویکرد روانشناسی محیط	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	روانشناسی محیطی		

در بررسی تطبیقی معنا در علوم مختلف، یکی از مؤلفه‌های بنیادین، خاستگاه معناست؛ به عبارت دیگر، «معنا از کجا می‌آید؟» و «در چه سطحی تولید می‌شود؟». دیدگاه فلسفه تحلیلی در مواجهه با این پرسش، معنا را مستقل از ذهن فردی و در قالب قواعد زبان و منطق می‌نگرد. نزد فرگه، معنا در نسبت واژه با مرجع و دال با مدلول تعریف می‌شود و به گونه‌ای معقول قابل انتقال است (Frege, 1892). در مقابل، رویکردهای پدیدارشناختی و هرمنوتیکی مانند هایدگر و شولتز، معنا را در بطن تجربه‌زیسته و زیست‌جهان انسان قرار می‌دهند، جایی که معنا در خلال مواجهه انسان با جهان پیرامون و از طریق ادراک بدنی و ذهنی شکل می‌گیرد (شولتز، ۱۳۹۵). در این میان، جامعه‌شناسی تفهیمی (وبر) معنا را در کنش اجتماعی جست‌وجو می‌کند، یعنی در بستر تعاملات اجتماعی و رمزگان‌های فرهنگی که به کنش‌ها و فضاها معنا می‌بخشند (Weber, 1978). این اختلاف بنیادین در منشأ معنا، زمینه‌ساز تفاوت‌های اساسی در رویکردهای معماری نیز شده است؛ برخی معماران بر نظام‌های معنایی قراردادی و فرهنگی تکیه دارند، در حالی که برخی دیگر بر تجربه‌پذیری مستقیم فضا توسط فرد.

نکته دوم در تحلیل تطبیقی معنا، توجه به سازوکار انتقال و ادراک معنا در بستر معماری است. در زبان‌شناسی ساخت‌گرا، معنا از طریق زبان و رمزگان‌های زبانی منتقل می‌شود (Saussure, 1916). این تلقی در برخی نظریه‌های معماری منجر به قرائت زبان محور از فضا شده است، نظیر خوانش پست‌مدرنیستی از معماری که آن را به مثابه متنی قابل تفسیر در نظر می‌گیرد (Jencks, 1980). در نشانه‌شناسی، معنا از طریق نظامی از نشانه‌ها شکل می‌گیرد که می‌توان آن را در معماری نیز مشاهده کرد؛ یعنی فرم‌ها، مصالح، رنگ‌ها و حتی جهت‌گیری‌ها به نشانه‌هایی بدل می‌شوند که در فرهنگ مشخصی دلالت معنایی دارند (Chandler, 2007). اما رویکردهای روانشناسی محیطی و پدیدارشناسی، سازوکار دیگری برای معنادهی پیشنهاد می‌دهند: این مکاتب معتقدند که ادراک فضایی مستقیم، کنش بدن در فضا، خاطره و تجربه، همگی ابزارهایی برای تولید و انتقال معنا هستند (رلف، ۱۳۹۵). در این منظر، فضا خود رسانه است، نه صرفاً حامل نشانه یا زبان، بلکه عنصری فعال در شکل‌دادن به تجربه و ساختار ذهنی معنا.

جدول ۸- مقایسه نظریه‌های معنا در علوم مختلف و معماری، مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳

کاربرد در معماری	مراتب و لایه‌های معنا	سازوکار انتقال/ادراک معنا	خاستگاه معنا	حوزه نظری
انتقال مفاهیم پایه و منطقی در فرم و ساختار معماری	معنا به‌مثابه رابطه دال/مدلول	زبان و منطق صوری	مستقل از ذهن (عینی و منطقی)	فلسفه تحلیلی
ایجاد «حس مکان» و هویت فضایی از طریق تجربه انسانی	معنا در تعامل ناظر و متن یا فضا	تجربه‌زیسته و تفسیر متن	ذهنی و پدیدارشناختی	هرمنوتیک فلسفی
فضا به‌مثابه بازنمایی فرهنگی و اجتماعی؛ رمزگان فرهنگی در طراحی	از کنش روزمره تا ساختارهای ایدئولوژیک	تعامل اجتماعی، نظام بازنمایی	ذهنی - فرهنگی - جمعی	علوم اجتماعی
معماری به‌مثابه زبان یا متن؛ قابل «خوانش» توسط مخاطب	معنا در رابطه نشانه‌های زبانی	زبان (ساختار و معناشناسی)	ذهنی - زبانی	زبان‌شناسی
استفاده از نشانه‌ها برای انتقال لایه‌های متعدد معنا در فرم و تصویر بنا	دلالت اولیه، ثانویه، ایدئولوژیک	نظام نشانه‌ها، دلالت و رمزگان	ذهنی - قراردادی	نشانه‌شناسی
طراحی فضا بر اساس رفتار کاربر، تجربه و ادراک مستقیم	شناختی (طرحواره، نقشه ذهنی)	ادراک فضایی، تجربه، حافظه	ذهنی و ادراکی	روانشناسی محیطی

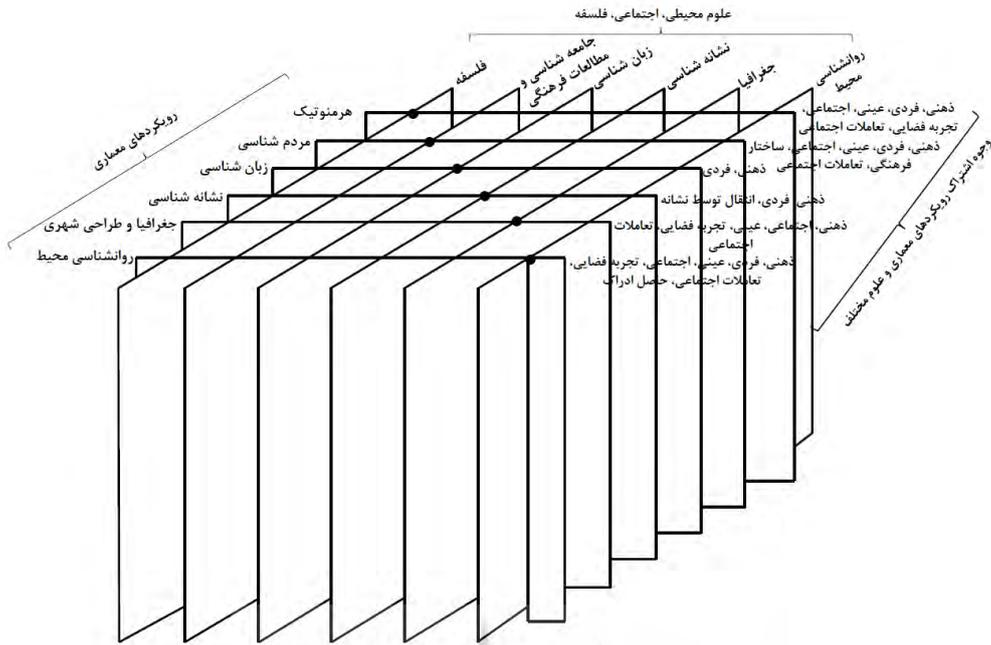
ارتقای کیفیت مکان از طریق هویت فضایی و حافظه جمعی	مکان به مثابه ظرف معانی	روابط اجتماعی در مکان، بستر جغرافیایی	اجتماعی - جغرافیایی	جغرافیا/طراحی شهری
---	-------------------------	---------------------------------------	---------------------	--------------------

سطح سوم تحلیل، توجه به لایه‌بندی معنا در نظام‌های مختلف فکری و انطباق آن با معماری است. در بسیاری از نظریه‌ها، معنا تنها یک لایه ندارد، بلکه از مراتب متعددی برخوردار است. به‌طور نمونه، راپاپورت معنای محیط را در سه سطح «صریح»، «ضمنی» و «نمادین» تقسیم می‌کند (راپاپورت، ۱۳۹۲). معنای صریح شامل اطلاعات آشکاری است که از فرم یا کارکرد استنباط می‌شود، معنای ضمنی در بردارنده تداعی‌ها و خاطرات فرهنگی است و معنای نمادین لایه‌ای عمیق‌تر است که با نظام‌های ارزشی، دینی یا اسطوره‌ای پیوند دارد. این لایه‌بندی در نظریه‌های نشانه‌شناختی نیز قابل پیگیری است؛ سطوح دلالتی اول و دوم و نیز نظام‌های رمزگان ایدئولوژیک که بارها توسط بارت و دیگران تحلیل شده‌اند، نشان می‌دهند که معنا در معماری نیز از سطوح متکثر برخوردار است (Barthes, 1972). این تنوع لایه‌ای در معماری مدرن، پست‌مدرن، سنت‌گرا یا معاصر نمودهای گوناگونی یافته است؛ از ساختمان‌هایی که تنها بر عملکرد دلالت دارند تا فضاهایی که معناهای نمادین و اسطوره‌ای عمیق را منتقل می‌کنند.

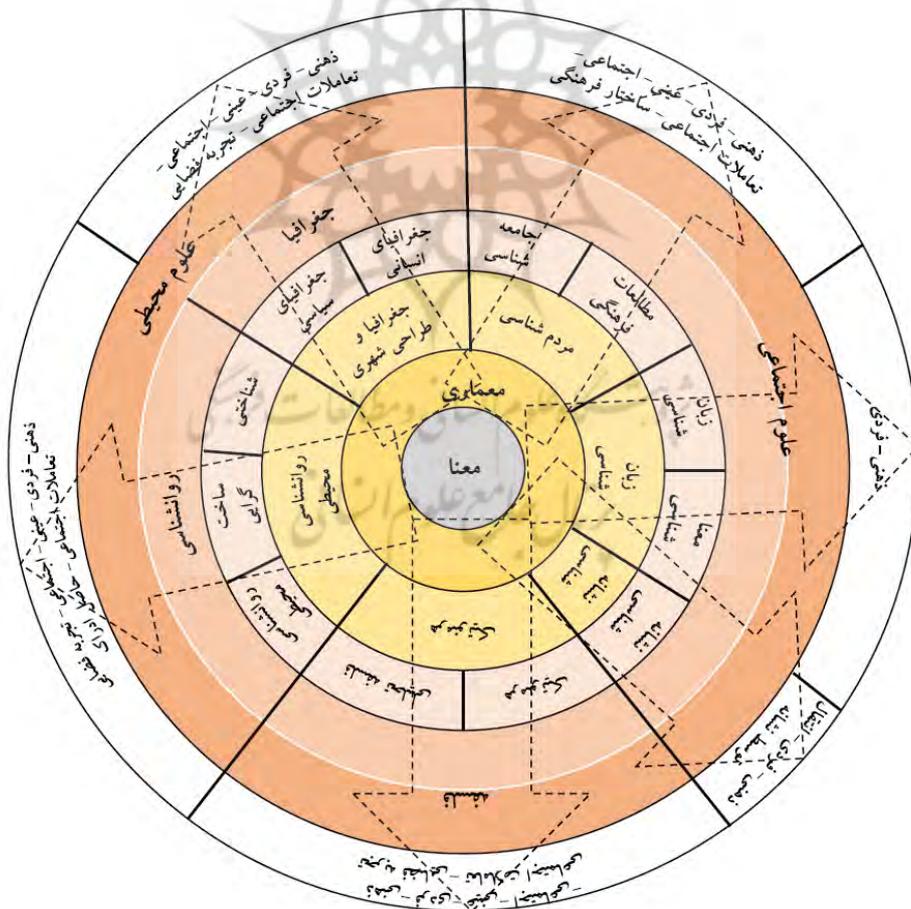
تفاوت بنیادین نظریه‌های معنایی در علوم مختلف نه صرفاً در تعاریف معنا، بلکه در پاسخ به سه پرسش کلیدی نهفته است: معنا از کجا می‌آید؟ چگونه منتقل می‌شود؟ و در چند سطح قابل ادراک است؟ این سه پرسش، ساختار زیرین رویکردهای نظری به معنا را شکل می‌دهند. در نسبت با معماری، هر یک از این پاسخ‌ها منجر به شکل‌گیری جهت‌گیری‌های طراحی متفاوت می‌شود: معماری به مثابه زبان، به مثابه نظام نشانه‌ای یا به مثابه تجربه. نتیجه آن‌که، فهم چندلایه و میان‌رشته‌ای از معنا می‌تواند به معماران در طراحی فضاهایی یاری رساند که نه فقط قابل استفاده بلکه قابل درک، قابل خواندن و واجد تجربه زیسته‌ای غنی از معنا باشد (Perez-Gomez, 2006; Tilley, 1994).

نتیجه‌گیری

معماری یک متن لایه‌ای فضایی است و مانند هر متن دیگر در دنیای امروز، دارای معناهای متعدد است. معماری از لایه‌های متعددی تشکیل شده است. به عبارتی دیگر معماری متنی لایه‌گون است. رویکردهای مختلف معماری از جمله: زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، مردم‌شناسی، ... لایه‌های معماری هستند که معنا در هر لایه دارای نقاط اشتراک و افتراقی با لایه‌های علوم مختلف است. وجه اشتراک معنا در همه علوم ذهنی بودن معناست. در زبان‌شناسی تولید و انتقال با زبان است، اما در معماری با این رویکرد، معنا امری پیشامفهوم‌ی است. در علوم و رویکرد نشانه‌شناسی معنا امری ذهنی است که توسط رمزگان تولید و با نشانه انتقال می‌یابد؛ در معماری ساختار فرهنگی نیز در انتقال معنای نشانه تأثیرگذار است. در علوم اجتماعی و رویکرد مردم‌شناسی، با توجه به ماهیت این علوم، معنا امری ذهنی و اجتماعی است که حاصل تعاملات اجتماعی و ساختار فرهنگی است. در هرمنوتیک معنا امری ذهنی است؛ در معماری با رویکرد هرمنوتیک امری ذهنی و اجتماعی و حاصل تعاملات اجتماعی است. در هر دو حاصل تجربه فضایی است. در جغرافیا و طراحی شهری، معنا امری اجتماعی، حاصل تعاملات اجتماعی و ساختار فرهنگی است که منجر به ارتقا کیفیت فضای شهری می‌شود. در روانشناسی و روانشناسی محیط معنا امری ذهنی، اجتماعی، حاصل ادراک، حاصل تعاملات اجتماعی و تجربه فضایی است. مدل نظری ارائه شده در تصویر ۱ وجوه اشتراک رویکردهای معماری و علوم مختلف را نشان می‌دهد.



تصویر ۱- مدل نظری معنا در علوم مختلف و رویکردهای معماری. مأخذ: نگارنده، ۱۴۰۳



تصویر ۲- مدل نظری معنا در علوم مختلف و رویکردهای معماری. مأخذ: نگارنده، ۱۴۰۳

در این پژوهش تلاش شد تا چیستی، ماهیت و سازوکار معنا از منظر علوم گوناگون انسانی، فلسفی، زبان‌شناختی، روان‌شناختی، نشانه‌شناسی و جغرافیای انسانی بررسی شده و نسبت آن با معماری تحلیل شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که معنا مفهومی چندلایه و میان‌رشته‌ای است که در هر حوزه علمی، بر مبنای معرفت‌شناسی و نظام ادراکی خاصی تعریف شده است. در تمامی حوزه‌ها، معنا به عنوان سازه‌ای ذهنی-اجتماعی-ادراکی بازشناخته می‌شود که در فرایند تجربه، تفسیر و بازنمایی شکل می‌گیرد. معماری به‌مثابه زبان، متن، نشانه یا بستر ادراک، واجد ظرفیت‌های انتقال معنا از طریق فرم، فضا، بافت، خاطر، و تجربه‌گر انسانی است.

مطالعه تطبیقی انجام‌شده نشان داد که خاستگاه معنا در برخی حوزه‌ها همچون زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی بیشتر به فرایندهای زبانی و نظام‌های دلالتی بازمی‌گردد، درحالی‌که در فلسفه و هرمنوتیک، معنا مبتنی بر تفسیر ذهنی و تجربه‌زیسته است. در علوم اجتماعی و جغرافیایی، معنا امری فرهنگی و ساختاری است که از طریق الگوهای اجتماعی بازتولید می‌شود. در روانشناسی نیز معنا امری شناختی است که از تعامل فرد با محیط، در قالب نقشه ذهنی و حافظه فضایی شکل می‌گیرد. آنچه این رویکردها را در معماری به هم پیوند می‌دهد، جایگاه «فضا» به‌عنوان بستری برای ظهور و ادراک معناست؛ فضایی که در آن انسان به عنوان ناظر، کنشگر و تأویل‌گر حضور دارد و از طریق ادراک و تفسیر، فضا را به مکان معنادار بدل می‌کند. از منظر کارکردی، یافته‌های این تحقیق می‌توانند زمینه‌ساز طراحی معمارانه‌ای شوند که از سطح صرفاً فرمی یا عملکردی فراتر رفته و به حوزه‌های مفهومی و تجربی ورود کند. طراحی‌هایی که با شناخت لایه‌های معنایی فضای معماری، از جمله معناهای صریح، ضمنی و نمادین، قادر باشند تجربه‌گر را به تأویل و مکاشفه در فضا دعوت کنند. پیشنهاد می‌شود معماران و طراحان، در فرآیند طراحی، از ابزارهای مفهومی میان‌رشته‌ای بهره گیرند و نظریه‌های معنا را در فاز ایده‌پردازی، تحلیل زمینه، شکل‌دهی فضا و حتی در نحوه چیدمان نشانه‌ها و نمادهای فرهنگی در معماری لحاظ کنند. همچنین تأکید بر مشارکت کاربران در تکوین معنا از طریق تجربه زیسته، می‌تواند به خلق فضاهایی پویا و پایدار منجر شود. پژوهش حاضر ظرفیت‌های پژوهشی آتی گسترده‌ای را نیز نمایان می‌سازد. از جمله، می‌توان پژوهش‌های تجربی‌تری را با رویکرد کیفی یا پدیدارشناسی طراحی کرد که تجربه کاربران از فضاهای معنادار را در بسترهای گوناگون (مانند فضاهای مذهبی، فرهنگی، آموزشی یا شهری) بررسی کند. همچنین تدوین مدل‌های طراحی مبتنی بر الگوهای معنایی استخراج‌شده از این تحقیق می‌تواند ابزاری کاربردی برای طراحان معماری فراهم سازد. توسعه گفتمان معنا در معماری نیازمند تداوم پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و توجه به ابعاد فرهنگی، تاریخی و روان‌شناختی فضاست، تا معماری بتواند همچنان به عنوان زبان معنادار جوامع انسانی ایفای نقش کند.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

پی‌نوشت‌ها

۱- Ludwig Mies van der Rohe

۲- Edward Winters

۳- Immanuel Kant

۴- Ludwig Josef Johann Wittgenstein

۵- William Whyte

۶- Edward C Relph

۷- Christian Norberg Schulz

۸- Kevin Lynch

۹- Jon Lang

۱۰- Sence

۱۱- Meaning

- Make sence -۱۲
 Manuel Castells -۱۳
 Ullmann -۱۴
 Hermeneutic -۱۵
 Friedrich Ludwig Gottlob Frege -۱۶
 Edmund Husserl -۱۷
 Martin Heidegger -۱۸
 Gadamer Hans-Georg -۱۹
 Habermas Jürgen -۲۰
 John Langshaw Austin -۲۱
 Per Gustafson -۲۲
 David Seamon -۲۳
 Yohani Plasma -۲۴
 Alberto Perez-Gomez -۲۵
 Vittrorio Gregotti -۲۶
 Foucault Paul Michel -۲۷
 George Edward Moore -۲۸
 Peter Fredrick Strawson -۲۹
 Alfred Jules Ayer -۳۰
 Friedrich Daniel Ernst Schleiermacher -۳۱
 Erik Hirsch -۳۲
 Max Weber -۳۳
 Amos Rapoport -۳۴
 Robert Stern -۳۵
 George Herbert Mead -۳۶
 Herbert Blumer -۳۷
 Roger Trigg -۳۸
 Stuart Hall -۳۹
 Claude Levi-Strauss -۴۰
 David Berlo -۴۱
 Charles Jencks -۴۲
 Jeffrey Broadbent -۴۳
 Ferdinand Mongin de Saussure -۴۴
 ۴۵- دال همان گفتاری است که از واج ها ساخته می شود و الگوی صوتی واژه را به هنگام گفته شدن شکل می دهد (یعنی دال جنبه فیزیکی و صوتی واحد زبانی است).
 مدلول مصداق واژه نیست؛ بلکه مفهومی است که واژه از طریق قرارداد به آن ضمیمه شده است (وینترز، ۱۳۹۶: ۹۹).
 Louis Trolle Hjelmlev -۴۶
 Leonard Bloomfield -۴۷
 CharlesKay Ogden -۴۸
 Ivor Armstrong Richards -۴۹
 Ullmann -۵۰
 Robert Charles Venturi JR -۵۱
 Diana Agrest -۵۲
 Greimas -۵۳
 Umberto Eco -۵۴
 Charles Sanders Peirce -۵۵
 Charles Morris -۵۶
 Roland Barthes -۵۷
 Daniel Chandler -۵۸
 Tim Cresswell -۵۹

John A. Agnew -۶۰

Yi-Fu Thun -۶۱

Michael Trieb -۶۲

Donald Appleyard -۶۳

Carmona Matthew -۶۴

Cognitive Map -۶۵

۶۶- نقشه شناختی بخشی از تصویر ذهنی است که به طور خاص بر روابط فضایی تمرکز دارد. نقشه‌های شناختی بازنمودهایی درونی ارائه می‌دهند که خصوصیات فضایی خاص محیط خارجی ما را شبیه‌سازی می‌کند (پاکزاد، بزرگ، ۱۳۹۳: ۲۱۱).

Mental Imagery -۶۷

۶۸- مجموعه تصویری است که از ظاهر، کارکرد و معنای یک فضا در ذهن شکل می‌گیرد (Trib, 1974: 73).

Norman Leslie Munn -۶۹

Ulric Neisser -۷۰

۷۱- ویلسون ساخت‌وسازگرایی را بدین گونه تعریف می‌کند: ساخت‌وسازگرایی به این معناست که همان گونه که ما با چیز جدیدی مواجه شده و آن را تجربه می‌کنیم، آن را از طریق تجربیات و دانش قبلی درونی کرده و به وسیله دستگاه شناختی خود معنا را خلق می‌کنیم. بر همین اساس ساخت‌وسازگرایی اساساً نظریه‌ای است در مورد این که افراد چگونه یاد می‌گیرند و بر این باور است که ما عاملان فعال دانش خود می‌باشیم؛ چرا که ادراکات و دانش ما از جهان از طریق تجربه کردن خود ما ایجاد می‌شود (مؤمنی، کرمی، ۱۳۸۶: ۱۳۳ به نقل از Lock, 2001)

Jean Piaget -۷۲

Jerome Bruner -۷۳

Le Sammunich Vygotsky -۷۴

Sigmund Schlomo Freud -۷۵

Carl Gustav Jung -۷۶

Irwin Altman -۷۷

Lynne C Manzo -۷۸

Robert Hershberger -۷۹

David V Canter -۸۰

Robert Gifford -۸۱

منابع

- آرون، ریمون. (۱۳۹۶). *مراحل اساسی سیراندیشه در جامعه‌شناسی*، مترجم: باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- احمدی، ادیب. آزاد احمدی، محمد. (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی معماری دوره پهلوی اول و دوم از منظر نشانه‌شناسی و معناشناسی (مطالعات موردی: موزه ایران باستان و موزه هنرهای معاصر). *نشریه علمی پژوهشی هنر و تمدن شرق*، ۱۱، ۳۹-۵: ۲۲.
- احمدی، زهرا. ذوالفقارزاده، حسن. (۱۴۰۱). *تحلیلی بر چگونگی بیان معنا در معماری پست مدرن از دریچه زبان‌شناسی (مقایسه تطبیقی کاربرد فنون بلاغی در زبان و معماری پست مدرن)*. دو فصلنامه علمی پژوهشی معماری و شهرسازی/ایران، ۱۳، ۱: ۱۶۵-۱۸۰.
- استرنبرگ رابرت. (۱۳۹۴). *روانشناسی شناختی*، مترجم: سید کمال خرازی، الهه حجازی، تهران: انتشارات سمت.
- اسلام پور، شیما. میرریاحی، سعید. حبیب، سوزان. (۱۴۰۰). در جستجوی معنای خانه: تبیین مؤلفه‌های کالبدی تجلی‌بخش معنا با استفاده از مفاهیم نظری پدیدارشناسی (مطالعه موردی: خانه‌های حیاط‌دار همدان). *نشریه علمی پژوهشی باغ نظر*، ۱۸، ۱۰۵: ۷۹-۹۲.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۹۵). *زبان و تفکر*، تهران: انتشارات آگاه.
- برادبنت، جفری. (۱۳۸۸). *با برادبنت: درباره معماری*، مترجم: حمید ندیمی، نیلوفر رضوی، هدیه نوربخش، کیوان جورابچی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- بنتلی، ای.بن. الکک، آن. مورین، پال. گلین سو، مک. اسمیت، گراهام. (۱۳۹۵). *محیط‌های پاسخده*، مترجم: مصطفی بهزاد فر، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- بیگ پور، رضا. (۱۳۹۰). *حقیقت و معنا در فلسفه تحلیلی معاصر*، تهران: انتشارات حکمت.
- پاکزاد، جهان‌شاه. بزرگ، حمیده. (۱۳۹۳). *الفبای روانشناسی محیط برای طراحان*، تهران: انتشارات آرمانشهر.
- پالمرو، فرانک رابرت. (۱۳۹۵). *نگاهی تازه به معنی‌شناسی*، مترجم: کوروش صفوی، تهران: انتشارات مرکز.
- پرتوی، پروین. صداقت رستمی، کبریا. (۱۴۰۰). *سیر تکوینی اندیشه آموس راپاپورت در حوزه فرهنگ و مطالعات رفتار-محیط*. *نشریه شهرسازی/ایران*، ۴، ۲۹-۴۰.
- چندلر، دانیل. (۱۳۹۴). *مبانی نشانه‌شناسی*، مترجم: مهدی پارسا. فرزانه سجودی. تهران: انتشارات سوره مهر.
- حقیقت، سید صادق. (۱۳۹۴). *از ساختارگرایی تا پساساختارگرایی*. *فصلنامه علمی پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی*، ۱۳، ۵۱: ۹۱-۱۱۰.

- دانشپور، عبدالهادی. (۱۳۸۵). پست مدرنیته و نگرش های جدید معناشناختی در شهرسازی. *دو فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه*، ۳۴، ۷: ۱۶۱-۱۸۰.
- دباغ، امیرمسعود. مختاباد امرئی، سید مصطفی. (۱۳۹۳). چارچوبی نوین برای خوانش مساجد تهران معاصر، *فصلنامه علمی پژوهشی نقش جهان*، ۴، ۲: ۲۹-۴۲.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۵-۱۳۸۴). *لغت نامه دهخدا*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رایپورت، اموس. (۱۳۹۲). معنی محیط ساخته شده؛ رویکردی در ارتباط غیر کلامی، مترجم: فرح حبیب، تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
- ربانی گلپایگانی، علی. (۱۳۸۱). مارتین هایدگر و هرمنوتیک فلسفی، *نشریه کلام/اسلامی*، ۴۴: ۱۸-۳۷.
- رلف، ادوارد. (۱۳۹۵). *مکان و بی مکانی*، مترجم: محمدرضا نقصان محمدی، کاظم مندگاری، زهیر متکی، تهران: آرمانشهر.
- ریتزر، جورج. (۱۳۹۳). *نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر*، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ساسانی، فرهاد. (۱۳۹۵). *معناکاوی: به سوی نشانه شناسی اجتماعی*، تهران: نشر علم.
- سجودی، فرزاد. (۱۳۹۷). *نشانه شناسی کاربردی*، تهران: نشر علم.
- سرمستانی، محمد. فروتن، منوچهر. طهوری، نیر. (۱۳۹۷). آفرینش شاعرانه در فضای شهری (واکاو نشانه شناختی فضای شهری باغ بلند شیراز). *فصلنامه علمی پژوهشی هویت شهر*، ۱۲، ۳۴: ۶۷-۷۸.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۹۳). *روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش*، تهران: انتشارات دوران.
- سیلورمن، دیوید. (۱۳۸۱). *روش تحقیق کیفی در جامعه شناسی*، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات تبیان.
- شاهچراغی، آزاده. بندرآباد، علیرضا. (۱۳۹۴). *محاط در محیط*، تهران: سازمان جهاد دانشگاهی.
- صدری افشار، غلامحسین. حکمی، نسرن. حکمی، نسترن. (۱۳۸۳). *فرهنگ معاصر فارسی یک جلدی*، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- شعله، مهسا. (۱۳۸۸). *روش شناسی تحلیل حوزه‌های نشانه-معنایی شهر*. *نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی*، ۱، ۳۹: ۱۰۵-۱۱۶.
- صفوی، کوروش. (۱۳۹۷). *درآمدی بر معنی شناسی*، تهران: انتشارات سوره مهر.
- ضمیران، محمد. (۱۳۸۲). *نشانه شناسی هنر*، تهران: نشر قاصد.
- عادل، سمیرا. نادیمی، هادی. (۱۴۰۱). *فرم به مثابه قابلیت؛ زیربنای نظری و چارچوب مفهومی معنای معماری*. *نشریه علمی پژوهشی صفا*، ۳۲، ۹۶: ۴۰-۲۱.
- عسگری، رضا. (۱۳۹۷). *مسئله معنا در معماری، دو ماهنامه معمار*، ۱۰۸: ۴-۱۳.
- علی الحسینی، مهران. رضازاده، راضیه. چریگو، نصیبه. (۱۳۹۶). ارائه مدل مفهومی معنای مکان و شاخص های تداوم آن (تحلیل پدیدارشناسانه تفسیری تجربیات زیسته افراد). *فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر*، ۱۴، ۵۲: ۱۷-۲۶.
- غلامعلی فلاح، محمد. بمانیان، محمدرضا. (۱۳۹۵). *اطوار معنای آثار در تاریخ معماری*. *فصلنامه علمی پژوهشی صفا*، ۷۵: ۱۱۵-۱۳۲.
- فلامکی، محمد منصور. (۱۳۹۱). *اصل‌ها و خوانش معماری ایرانی*، تهران: نشر فضا.
- فیض اله زاده، کبری. مظفر، فرهنگ. کیان ارثی، منصوره. (۱۴۰۳). *معناجویی در فرایند طراحی معماری*. *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش های معماری اسلامی*، ۱۲، ۴: ۵۵-۷۷.
- قائمی نیا، علیرضا. (۱۳۸۵). *نشانه شناسی و فلسفه زبان*. *نشریه علمی پژوهشی ذهن*، ۲۷: ۳-۲۴.
- کارمونا، متیو و همکاران. (۱۳۹۴). *مکان های عمومی فضاهای شهری؛ ابعاد گوناگون طراحی شهری*، مترجم: فریبا قرائی و همکاران. تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
- کلای، پریسا، مدبری، آتوسا. (۱۳۹۱). *تبیین نقش مؤلفه معنا در فرایند شکل گیری حس مکان*. *نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی*، ۲: ۴۳-۵۱.
- کلانتری، عبدالحسین. (۱۳۸۶). *معنا در جامعه شناسی و مطالعات فرهنگی (مقایسه دو رویکرد روانشناسانه و قاعده مدارانه)*. *دو فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی*، ۴: ۱۰: ۱۰۱-۱۲۶.
- لنگ، جان. (۱۳۸۶). *آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط*، مترجم: علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران.
- گروتز، یورگ کورت. (۱۳۹۰). *زیبایی شناسی در معماری*، مترجم: جهانشاه پاکزاد، عبدالرضا همایون، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- لیتل جان، استیفن. (۱۳۸۴). *نظریه های ارتباطات*، مترجم: سید اکبر میر حسینی، مرتضی نوربخش، تهران: انتشارات جنگل.
- لینچ، کوین. (۱۳۹۴). *تئوری شکل خوب شهر*، مترجم: حسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لینچ، کوین. (۱۳۹۵). *سیمای شهر*، مترجم: منوچهر مزینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مان، نرمان لسل. (۱۳۸۱). *اصل روانشناسی*، مترجم: محمود ساعتچی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- محمدی، عرفان. پناهی، سیامک. ایمانی، نادیه. دولتی، محسن. (۱۴۰۲). *خوانش معماری بر اساس نشانه‌شناسی لایه‌ای (نمونه موردی: برج آزادی)*. *فصلنامه علمی پژوهشی تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران*، ۲، ۲: ۵۲۴-۵۴۴.

- مطلبی، قاسم. (۱۳۸۰). روانشناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری. نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، ۱۰: ۵۲-۶۷.
- معین، محمد. (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی یک جلدی، تهران: نشر سرایش.
- مک اندرو، فرانسیس تی. (۱۳۸۷). روانشناسی محیطی، مترجم: غلامرضا محمودی، تهران: انتشارات زرباف.
- مک دائل، دایان. (۱۳۸۰). مقدمه ای بر نظریه های گفتمان، مترجم: حسینعلی نوذری، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- منصوری، سید امیر. آزاد ارمکی، مرضیه. (۱۳۸۸). سیالیت معنایی بنا. فصلنامه علمی پژوهشی صفا، ۴۸: ۴۱-۵۲.
- مومنی مهموئی، حسین. کرمی، مرتضی. (۱۳۸۶). کاربست رویکرد ساخت و سازگرایی در آموزش و پرورش. دو فصلنامه علمی ترویجی پژوهش های تربیتی، ۳، ۱۱: ۱۳۱-۱۵۴.
- مهدوی نژاد، محمدحسین و همکاران، (۱۳۹۴). ارتباط زبان و معنا در سنت فلسفه تحلیلی: با تأکید بر آرا و بینگشتاین. دو فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش های فلسفی، ۹، ۱۶: ۲۱۵-۲۳۶.
- نژاد ابراهیمی، احد. قره بگلو، مینو. وفایی، سید مسعود. (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر ارتباط و نشانه‌شناسی در معماری (مطالعه موردی: مسجد کبود تبریز). دو فصلنامه علمی پژوهشی جاویدان خرد، ۱۵، ۳۴: ۱۷۹-۲۰۲.
- نسبیت، کیت. (۱۳۹۴). نظریه های پسامدرن در معماری، مترجم: محمدرضا شیرازی. تهران: نشر نی.
- نوربرگ شولتز، کریستین. (۱۳۹۵). گزینه ای از معماری: معنا و مکان، مترجم: ویدا نوروز برازجانی. تهران: انتشارات پرهام نقش.
- نوربرگ شولتز، کریستین. (۱۳۹۴). روح مکان؛ به سوی پدیدارشناسی معماری، تهران: رخداد نو.
- نوربرگ شولتز، کریستین. (۱۳۹۷). وجود، فضا و معماری، مترجم: ویدا نوروز برازجانی، تهران: پرهام نقش.
- وینچ، پیتز. (۱۳۸۶). ایده علم اجتماعی و پیوند آن با فلسفه، مترجم: زیر نظر سمت، تهران: انتشارات سمت.
- وینترز، ادوارد، (۱۳۹۶). زیباشناسی و معماری، مترجم: محسن سالاروند، تهران: انتشارات نقش جهان.
- هال، استوارت. (۱۳۹۶). معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی، مترجم: احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.
- هال، استیون. پالاسما، یوهانی. پرزگومز، آلبرتو. (۱۳۹۴). پرسش های ادراک در پدیدارشناسی معماری، مترجم: علی اکبری، محمد امین شریفیان، تهران: انتشارات پرهام نقش.
- Altmann Irwin. Law, S. (1992). *Human behavior and environments: Advances in theory and research*, Volume 12: Place attachment. New York: Plenum Press.
- Barthes, Roland. (1972). *Mythologies*, Hill and Wang.
- Bull, Victoria. (2011). *Oxford Dictionary*, Oxford university Press.
- Canter, David V. (1977). *The psychology of place*, London: Architectural Press.
- Chandler, Daniel. (2007). *Semiotics: The Basics (2nd ed.)*, Routledge.
- Cresswell, T. (2009). *Pace*, In *International encyclopedia of human geography*, by K Rob and T Nigel. Oxford: Elsevier Science.
- Davis, Martin. (2007). *Philosophy of language*, in Nicholas Bunnin and E. P. Tsui- James (Eds), *The Blackwell Companion to Philosophy (Second Edition)*, Oxford: Blackwell Publishers.
- Eco, Umberto. (1968). *Function and Sign: Semiotics in architecture, in the city and the sign: An introduction to urban semiotics*, Gottdiener. M. and Lagopoulos, A. Columbia University press. New York.
- Frege, Gottlob. (1982). *Sense and reference*. A. W. Moore *Meaning and Reference*, Oxford University Press.
- Gadamer, Hans Georg. (2013). *Truth and method. Second edition*, Translation revised by Joel Wensheimer and Donald G Marshall, Bloomsbury Academic.
- Gifford, Robert. (2002). *Environmental Scychology: Principles and practice*, Canada. Optimal books.
- Gustafon, Per. (2001). Meaning of place: Everyday experience and theoretical conceptualizations. *Journal of Environment Psychology*, 21: 5-16.
- Hall, Stuart. (1997). *Representation: Cultural representation and sigmifying practices*, London: open University Press.
- Hersch, Eric Donald. (1973). *Validity in Interpretation*, New Haven and London. Yale University Press.
- Hershberger, Robert. (1970). Architecture and meaning. *Journal of Aesthetic Education. The Journal of Aesthetic Education*, 4: 37- 55.
- Hershberger, Robert. (1980). *A study of meaning and architecture*, Institute for Environmental Studies, Pennsylvania, University.
- Jencks, Charles. (1980). *Signs, Symbols, and Architecture*, Wiley.
- Manzoo, Lynne C. (2005). For better or worse: Exploring multiple dimensions of place meaning. *Journal of Environmental Scychology*, 25: 86- 67.
- Neisser, Ulric. (1976). *Cognition and reality, Principles and implications of cognitive psychology*, San Francisco: W.H. Freeman and company.
- Pérez-Gómez, Alberto. (2006). *Built Upon Love: Architectural Longing after Ethics and Aesthetics*, MIT Press.
- Scannell, Leila. Gifford, Robert. (2010). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology*, 30: 1- 10.

- Seamon, David. Harnett, Gill. (2014). *Qualitative approaches to environment - behavior research: understanding environmental and place experiences. meanings, and actions*, chapter 6 in *Research Methods in environment- behavior research*, New York: Wiley. Blackwell.
- Saussure, Ferdinand Mongin de. (1916). *Course in General Linguistics*, Duckworth.
- Swan, Karen. (2005). *A Constructivist model for thinking about learning online*, In J Boume & J. C. Moore (Eds), *Elements of Quality Online Education: Engagnig Communities*, Needham, MA: Sloan- C, 1- 19.
- Tilley, Christopher. (1994). *A Phenomenology of Landscape: Places, Paths and Monuments (Explorations in Anthropology)*, Berg.
- Thun, Yi-Fu. (1977). *Space and place: The perspective of experience*, London: Edward Arnold.
- Tribe, Michael, (1974). *Stadtgestaltung Theorie and Praxis*, English Edition. Bertelsmann.
- Trigg, Roger. (1985). *Understanding scial science*, Blackwell.
- Venturi, Robert. (1977). *Complexity and Contradiction in Architecture*, London: the Architectural Press.
- Weber, M. (1978). *Economy and Society: An Outline of Interpretive Sociology*, University of California Press.
- Whyte, William. (2006). How Do Buildings Mean. Some Issues of Interpretation In The History of Architecture. *Journal of History and Theory*, 45: 153-177.

